



شناسایی مبانی نظری گفتمان اسلامی توسعه با محوریت آموزه‌های دینی و اندیشه‌های سیاسی امام خمینی علیه السلام*

محسن عبداللهی*
(۱۱۳-۱۳۲)

چکیده

کار بست گفتمان غربی توسعه در کشورهای مسلمان نتایج ناگوار در پی داشته، که از آن جمله تردید مسلمانان بر سر دوراهی‌های متعدد و نوین توسعه بوده است، اما بایی که اسلام در رویارویی با نظریه‌های معاصر غربی توسعه می‌گشاید چیست (سؤال)؟ گفتمان اسلامی توسعه، با اثرپذیری از تحولات تاریخ اسلام و جنبش‌های اصلاح دینی، با محوریت آموزه‌های اسلامی و اندیشه‌های سیاسی امام خمینی علیه السلام راهی نو فراروی مسلمانان گشوده است (فرضیه)، که بررسی آن در پر تو توجه به وحدت دینی، پیوستگی اسلامی و منافع ملی و نیز تأثیر آن بر تولید و تداوم توسعه میسر است (روش).

در مقاله حاضر کوشیده ایم ثابت کنیم که گفتمان اسلامی توسعه در مبانی نظری و عملی خود از استحکام لازم برخوردار است (هدف). همچنین، نتیجه گرفته ایم که لزوم عزم عمومی برای پیاده‌سازی گفتمان اسلامی، ضرورت تأسیس نهادهای مدنی مناسب و فعال در این راه و نیز اهتمام مردم به ارزش‌های دینی پیش نیاز دستیابی به توسعه به شمار می‌آید (یافته‌ها).

واژگان کلیدی

توسعه، گفتمان اسلامی، امام خمینی علیه السلام، منافع ملی، آموزه‌های دینی

*. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه لرستان - Abdollah.Mohsen.Politics@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۲

مقدمه

توسعه، مانند بسیاری دیگر از مفاهیم اجتماعی و سیاسی، دارای برداشت‌ها و تعاریف گوناگون و متنوعی است، چنان‌که هریک از دانشمندان و مکاتب با تأکید بر مسئله‌ای خاص آن را تعریف، توصیف و تبیین می‌کند. آموزه‌های مکتب اسلام و مذهب تشیع نیز توانایی فراوانی برای شناخت این پدیده دارند؛ از این رو، بازاندیشی توسعه و رسیدن به الگوهای مذهبی ضروری است. در این میان، مسائلی چون تنوع و مرکزیت یافتن ارزش‌های انسانی، ارتقای توانمندی‌های بشری، توجه به تعامل جنبه‌های داخلی و خارجی، نگرش همه‌جانبه به ابعاد گوناگون فردی، جمعی، کمی و کیفی و نیز آرمان محوری اهمیت می‌یابد (عبداللهی ۱۳۸۶: فصل اول).

دستیابی به توسعه، در چهارچوب ارزش‌های مذهبی، بدون وجود قاعده‌ای اساسی و شکل‌گیری زیرساخت‌های مناسب در نظام سیاسی و اجتماعی ممکن نیست؛ از این رو، یافتن مبانی اساسی و مفاهیم بنیادین و نیز تدوین و عرضه تعاریفی روشن از الزامات و حوزه‌های توسعه الزامی است، چنان‌که اختلاف و افتراق، در حوزه تعاریف و تحلیل مفاهیم، مانع نیل به توسعه پایدار و مبتنی بر آموزه‌های مذهبی خواهد شد. گفتمان اسلامی توسعه ترجمان اثرپذیری نظریه‌های توسعه از ارزش‌ها و اصول مذهبی است، که در قالب الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نیز تبیین شده است.

در این خصوص، واقعیت نخست این است که نیاز به وحدت در بین مسلمانان و ترسیم جهان یکپارچه اسلامی، به منزله نیازی اصیل، همواره مورد توجه آگاهان جامعه اسلامی قرار داشته است، به طوری که ترکیب و وحدت ملی، پیوستگی اسلامی و منافع ملی راهبرد اصلی این گفتمان را نشان می‌دهد. وحدت ملی، که اولین بنیان این نوع نگرش در باب توسعه شمرده می‌شود، نتیجه ارتقای سطح تعاملات انسانی و تحکیم علایق و اعتقادات برای نیل به سرنوشت مشترک است؛ همچنین، بقای روابط اجتماعی و اعمال اقتدار را، که نشان‌دهنده گام‌های بلند به سوی منافع ملی است، در چهارچوب نظام اجتماعی، از حیث سیاست داخلی و خارجی، تضمین می‌کند. در اندیشه سیاسی اسلام، استناد به

اصول و مبانی دینی و تلاش برای اجرای فرمان‌های الهی ضامن پیوستگی و یکپارچگی آحاد جامعه است و موجبات تحقق امت واحده اسلامی را فراهم می‌آورد، چنان‌که در جریان تحولات صدر اسلام، هرگاه امت اسلامی وحدت و پیوستگی خود را حفظ کرد پیروز گردید و، برعکس، هرگاه گرفتار تفرقه و ناهماهنگی شد آسیب دید.

در این مقاله، مبانی نظری گفتمان اسلام در باب توسعه با محوریت سه آموزه «از وحدت ملی تا امت واحده»، «پیوستگی اسلامی» و «از منافع ملی تا رسالت جهانی» - با توجه به منابع اسلامی و به ویژه آیات منتخبی از قرآن، اندیشه‌ها و مجاهدت‌های پیامبر گرامی اسلام ﷺ و دیدگاه‌های بنیان‌گذار انقلاب اسلامی - مورد کاوش و ساماندهی قرار می‌گیرند.

آموزه اول: از وحدت ملی تا امت ملی در تفکر اسلامی

اصطلاح وحدت ملی از دو جزء وحدت و ملی تشکیل می‌شود. وحدت یعنی آنچه مرکب از دو چیز یا بیشتر، با نسبت‌های معین، باشد، به طوری که چیز سوم از آن‌ها به وجود آید، که با اجزای خود تفاوت کامل داشته باشد (بندریگی ۱۳۸۲: ۲۱۲). کلمه ملت نیز، که جمع آن ملل است، به پیروان یک دین و مردم یک کشور، که از یک نژاد و تابع یک دولت باشند، اطلاق می‌گردد (عمید ۱۳۸۴: ۱۱۵۵). ملت به معنای گروهی است که با اهداف معین و در چهار چوبی تعریف شده، علاوه بر حل نیازهای اولیه، در صدد توسعه فرهنگ، اقتصاد و سیاست‌اند.

این مسئله از منظر قابلیت بسیج اجتماعی و سیاسی نیز بررسی شده است. بر اساس تحقیقات انجام گرفته، بسیج سیاسی و اجتماعی، در جریان انقلاب اسلامی ایران، به دلیل ایدئولوژی و رهبری اثربخش مذهبی، بسیار مشهود بود، چنان‌که همه طبقات مایل به توسعه و تحول بر اساس موازین دین اسلام و مذهب تشیع بودند. شهید مرتضی مطهری در این باره می‌گوید: «در این نهضت، غنی و فقیر، مرد و زن، شهری و روستایی، طلبه و دانشجو، پيله‌ور و صنعتگر، کاسب و کشاورز، روحانی و آموزگار، باسواد

و بی سواد یکسان شرکت دارند. یک اعلامیه، که از طرف مراجع بزرگ عالی قدری که نهضت را رهبری می کنند صادر می شود، در سراسر کشور و در میان عموم طبقات طنین یکسان می افکند (مطهری ۱۳۸۳: ۶۳). از این رو، به نظر می رسد یکی از مبانی اصلی توسعه، که همواره مورد توجه نظریه پردازان و جامعه شناسان سیاسی بوده است، توانایی ایجاد وحدت و وفاق ملی است، که در گفتمان های متنوع مطرح شده برای توسعه اولین رکن شمرده می شود. در این میان، گفتمان اسلامی توسعه نیز اندیشه وحدت ملی را در مقیاسی گسترده و تحت عنوان «اندیشه امت واحده» یا، به عبارت دیگر، امت ملی در تفکر اسلامی، با عنایت به آیات و روایات و استدلال های عقلی، در خود جای می دهد.

آموزه دوم: پیوستگی اسلامی

پیوستگی اسلامی همان هم بستگی یا انسجام اسلامی است. انسجام برگرفته از سجم، به معنای منظم و منسجم شدن کلام، است (بندرریگی ۱۳۸۲: ۷۱۳)؛ همچنین، به معنای روان شدن، منظم شدن و با هم جور شدن، روان بودن کلام و عاری بودن آن از تقید و تکلف آمده است (عمید ۱۳۸۴: ۲۴۴). واژه اسلامی نیز از ریشه سلم، به معنای سالم و بدون عیب و آفت، است و اسلام، از باب افعال، به تسلیم بدون قید و شرط گفته می شود (بندرریگی ۱۳۸۲: ۷۶۶-۷۶۷). حرف «ی» نیز، در واژه اسلامی، یاء نسبت است.

انسجام یا پیوستگی اسلامی یعنی هم صدایی و سازگار شدن افراد یک ملت مسلمان با ملت های مسلمان دیگر، با هر نوع عقیده مذهبی، برای حفظ اسلام و تثبیت حقوق مسلمانان جهان. بر این مبنا، دایره وحدت و اخوت اسلامی فراتر از مرزهای جغرافیایی، نژادی، خونی و تاریخی است (همان: ۲۰۰). اسلام، با نفی محوریت قبیله و نسب و خویشاوندی و هم خونی در هم بستگی و انسجام، هم بستگی ایمانی را محور قرار داد و ارزش های هم بستگی قبیله ای را در درون خود ذوب کرد؛ چه بسیار افراد مؤمنی که با قبیله خود به نبرد پرداختند و چه بسیار دشمنان قبیله ای که، در پرتو ایمان مذهبی، دشمنی را فراموش کردند و به دوستی و الفت و اخوت گراییدند زیرا ایمان مذهبی پایه های نظام

قبیله‌ای را سست کرده بود و همین امر زمینه دولت‌سازی پیامبر ﷺ را مهیا کرد (بزرگر ۱۳۸۵: ۱۱۱). احترام به اشتراکات از عوامل مؤثر در تحقق وحدت ملی، پیوستگی اسلامی و حرکت

به سوی توسعه پایدار، مبتنی بر ارزش‌های ملی و هماهنگ با ارزش‌های دینی، است. در جریان شکل‌گیری نهضت اسلامی ایران تا پیروزی انقلاب و استقرار نظام اسلامی، پیوستگی اسلامی از رهبری مؤثر امام خمینی علیه السلام، معمار ماهر انقلاب، نشئت گرفت و تابعی از توانمندی او بود، چنان‌که، به گفته شهید مطهری، ندای امام خمینی علیه السلام از قلب فرهنگ و ژرفای روح ملت ایران برمی‌خاست. مردمی که، در طول چهارده قرن، حماسه محمد صلی الله علیه و آله و سلم، علی علیه السلام، زهرا علیها السلام، حسین علیه السلام، زینب علیها السلام، سلمان، ابوذر و صدها و هزاران مرد دیگر را شنیده بودند و این حماسه‌ها بار و حشان عجین شده بود بار دیگر همان ندای آشنا را از حلقوم این مرد شنیدند (مطهری ۱۳۷۶: ۹۴). مردم انقلابی و رهبران مبارز ایران، با تاسی به نهضت عظیم سیدالشهدا علیه السلام و اثرپذیری از اندیشه‌های آن حرکت اصیل اسلامی، به خلق ارزش‌هایی پرداختند که تاکنون، در تمام مراحل، نقشی پر معنا و پایدار در این حرکت بزرگ ایفا کرده است و از این پس نیز موفقیت در تحقق آن‌ها سبب استقرار الگوی اسلامی توسعه، به جای نظریه‌های غربی توسعه، در جوامع اسلامی خواهد شد؛ این ارزش‌ها عبارت‌اند از:

- ایمان به جهاد فی سبیل الله و احیای روح مجاهده و مبارزه
 - احیای روحیه شهادت‌طلبی که از برترین مراحل عرفان عملی است
 - مقاومت و پایداری و پشتکار در مبارزه
 - احیای روحیه آزادگی و ذلت‌ناپذیری
 - شجاعت و شهامت و پرهیز از مصلحت‌اندیشی، راحت‌طلبی و توجیه‌گری
 - احیای امر به معروف و نهی از منکر و سایر امور عبادی و نیز مکارم اخلاقی
- (ابراهیم‌بای سلامی ۱۳۷۴: ۲۳).

آموزه سوم: از منافع ملی تا رسالت جهانی

منافع ملی مفهومی است مرکب از منافع، که جمع منفعت و به معنای سود است، و ملی، که منسوب به ملت است؛ یعنی، منفعت‌هایی که، در یک محدوده جغرافیایی و سرزمینی، به یک ملت می‌رسد و ابعاد وسیعی را دربر می‌گیرد. هانس جی مورگنتا اولین نظریه پرداز است که به صورت منسجم مفهوم منافع ملی را بررسی کرده است. مورگنتا منافع ملی را واقعیتی عینی و مهم می‌داند، که بر اساس آن می‌توان اقدامات سیاسی کشورها را ارزیابی کرد و به دو دسته درجه اول و درجه تقسیم می‌شود. وی، که مفهوم درجه اول را با مفاهیم حیاتی، مشروع، کلیدی یا ضروری مترادف می‌داند، معتقد است منافع ملی درجه اول شامل حفظ هویت فرهنگی، سیاسی و فیزیکی ملت‌ها و ایستادگی در برابر تجاوز خارجی است، که به هیچ وجه مورد سازش یا مصالحه قرار نمی‌گیرد (قاسمی ۱۳۸۲: ۳۹۶-۳۹۸). منافع ملی درجه دوم نیز هدف‌های عام و ماندگاری است که هر ملت برای دستیابی به آن‌ها تلاش می‌کند. این اهداف شامل راه‌های برنامه‌ریزی شده برای دستیابی به انرژی، منابع و مواد خام، فناوری‌های جدید، توسعه و رفاه اقتصادی، منطقه نفوذ، دفاع از مرزهای کشور و دفاع از اتباع خود در خارج از مرزهاست. بر این اساس، ارتباطی نزدیک میان سیاست خارجی و سیاست داخلی هر کشور وجود دارد، که به طور مستقیم با ارزش‌ها، باورها و فرهنگ ملی و دینی آن کشور ارتباط دارد (روشندل ۱۳۷۴: ۱۲۳).

بیشتر کارشناسان هدف‌ها و انگیزه‌های اصلی کشورها را، در صحنه بین‌المللی، منافع ملی نام نهاده‌اند (سیف‌زاده ۱۳۸۴: ۱۸۰). بدیهی است آنچه از نظر دولت‌ها در درجه اول اهمیت قرار دارد و از جمله منافع اصلی آن‌ها به شمار می‌آید حفظ استقلال و تمامیت ارضی آن‌هاست (قوام ۱۳۸۴: ۱۲۵). منافع ملی هویت و هدف مشترک گروه‌های سیاسی-اجتماعی و الگوی عملی یا سیاست یا مجموعه‌ا عملی است

به گمان افراد جامعه بخت آنان را برای نیل به آنچه می‌خواهند افزایش می‌دهد. منافع ملی برای افراد جامعه پدیده‌ای است مطلوب، چنان‌که همهٔ افراد جامعه به دنبال آن‌اند. منافع ملی یک خواست ساده نیست، بلکه ترکیبی است از خواستی ساده و تأیید اخلاقی و قانونی آن (نقیب‌زاده و عباسی ۱۳۸۱: ۳۲). با وجود ابهام جدی در مفهوم منافع ملی، این مفهوم همچنان برای توصیف، تشریح و ارزیابی منابع یا کارایی یا سیاست خارجی ملت‌ها به کار می‌رود و به‌منزلهٔ ابزاری برای عمل، توجیه، اعلان یا پیشنهاد سیاست‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. تصمیم‌گیرندگان سیاسی از این مفهوم برای مشروعیت بخشی به سیاست خارجی خود بهره می‌گیرند و تحلیل‌گران سیاسی از آن به‌منزلهٔ ابزاری تحلیلی برای ارزیابی سیاست‌گذاری خارجی سود می‌جویند (قوام ۱۳۸۵: ۹۰).

«وحدت ملی»، با توجه به بعد داخلی، و «پیوستگی اسلامی»، با نگاه به وحدت جوامع اسلامی در عرصهٔ بین‌المللی، از ساز و کارهایی هستند که در وضعیت پراز چالش جهان، در نیل به توسعه، اهمیت می‌یابند. تقویت اشتراکات و تأکید بر یک‌پارچگی و حفظ وحدت از راهبردهای این نوع نگرش به توسعه است. به هر میزان رابطهٔ حکومت با مردم به شکلی منطقی و در چهارچوب قانون و بر اساس مشروعیت و مقبولیت شکل گرفته باشد و اعتماد به تحقق منافع ملی وجود داشته باشد «وحدت ملی» افزایش می‌یابد و پیوستگی نظام، برای تحقق منافع عمومی و دفاع از مصالح ملی، بیشتر می‌شود. همچنین، هر قدر آموزه‌های ملی، فرهنگی و مذهبی با ارزش‌های اجتماعی هماهنگ باشد، به همان میزان، پیوستگی اجتماعی افزایش می‌یابد و روحیهٔ ملی تقویت و از هزینهٔ مقابله با بحران‌ها کاسته می‌شود. در برابر، تفرقه و تشتت جامعه را با بحران‌های داخلی و خارجی مواجه و نیل به منافع ملی را مختل می‌کند. توانمندی در این عرصه سبب ارتقای مناسبات نظام اسلامی با جامعهٔ جهانی می‌شود و زمینه‌ساز پیشبرد رسالت جهانی اسلام و تحقق یافتن الگوی

پیشرفت دینی، در مقیاسی گسترده و بر اساس اندیشه امت واحده اسلامی، می‌گردد، که این آموزه‌ها را می‌توان با محوریت تعالیم قرآن، سیره رسول اکرم ﷺ و اندیشه‌های امام خمینی ﷺ نیز مورد بررسی قرار داد.

دیدگاه قرآن

وحدت ملی یا وحدت اجتماعی از مهم‌ترین مبانی توسعه است، که در متون تاریخی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است و نزد نظریه‌پردازان توسعه در دوره معاصر نیز جایگاهی منحصر به فرد دارد. جامعه‌شناسان معاصر تأثیر وحدت در توسعه و پیشرفت ملل مسلمان و امت واحده دینی را، با عنایت به متون اسلامی و تحولات تاریخ اسلام، تبیین کرده‌اند، به طوری که در دوره‌های گوناگون دیدگاه‌های متنوعی در این باره مطرح شده است. این مسئله مهم را فارابی در قالب نظریه تعاون، اخوان‌الصفای ذیل تکوین دولت‌ها و ابن‌خلدون بر اساس نظریه عصیبت بررسی کرده‌اند (عبداللهی ۱۳۹۰: فصل پنجم). خداوند نیز در قرآن مجید، به شکلی بنیادی، اندیشه وحدت را در سه سطح «وحدت انسانی»، «وحدت پیروان شرایع آسمانی» و «وحدت مؤمنان و مسلمانان» مطرح کرده است:

سطح اول: وحدت انسانی

بر اساس نگرش قرآنی، همه انسان‌ها، با همه اختلافات ظاهری، از نفسی واحد آفریده شده‌اند و اختلافات ظاهری آنان ناشی از عوامل بیرونی و به منظور اهدافی خاص است. خداوند در قرآن کریم، درباره گوهر واحد انسانی، می‌فرماید: «الذی خلقکم من نفس واحد؛ [خداوند] کسی [است] که همه شما را از یک انسان آفرید» (نساء: ۱)؛ همچنین، در خصوص نیای مشترک انسان‌ها می‌فرماید: «إنا خلقناکم من ذکر و انثی؛ [ای مردم]، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم» (حجرات: ۱۳) و بر این اساس نتیجه می‌گیرد که انسان‌ها - صرف نظر از اختلاف در ظاهر، زبان، رنگ، ملیت، دین و فرهنگ - از حقوق برابر برخوردارند و جز تقوا هیچ امتیازی بر یکدیگر ندارند: «... ان اکرمکم عندالله اتقیکم؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست» (حجرات: ۱۳) زیرا رنگ و زبان

و اختلافات ظاهری، نه تنها دلیل برتری افراد بر یکدیگر نیست، در برخی آیات نشانه‌های قدرت خداوند معرفی شده است؛ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «من آیاته اختلاف السننکم والوانکم؛ از نشانه‌های او تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماست» (روم: ۲۲). اسلام مردم را به وحدت انسانی دعوت می‌کند تا، با همزیستی مسالمت‌آمیز، از فساد، قتل، غارت، ستم و تجاوز خودداری کنند. بر اساس بینش قرآنی، انسان از کرامت خاصی برخوردار است و رعایت حقوق او واجب شمرده شده است؛ از این رو، پیامبر اکرم ﷺ دلسوز همه افراد جامعه بود و برای هدایت آنان تلاشی طاقت‌فرسا داشت، به گونه‌ای که خداوند در قرآن کریم، خطاب به ایشان، فرمود: «لعلک باخع نفسک الایکونوا مؤمنین؛ گویی می‌خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست بدهی، به دلیل آنکه آنان ایمان نمی‌آورند» (شعراء: ۳).

سطح دوم: وحدت پیروان شرایع آسمانی

قرآن کریم سرشت شریعت‌ها را تسلیم در برابر خداوند واحد می‌داند و از تمام آن‌ها با عنوان اسلام یاد می‌کند؛ خداوند، با دعوت انسان‌ها به هم‌بستگی بر محور توحید، می‌فرماید: «ان الدین عندالله الاسلام؛ دین در نزد خدا اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است» (آل عمران: ۱۹). در تحلیل قرآنی، شرایع بر اصول سه‌گانه توحید، نبوت و معاد بنا نهاده شده‌اند، چنان‌که پیامبران الهی نیز مردمان را به این سه اصل می‌خواندند. بنابراین، تفاوتی در اصول شرایع وجود ندارد و اختلاف تنها در اصول جزئی و فرعی است، که به سبب مقتضیات زمانی و مکانی پدید آمده است. از این حیث می‌توان شریعت پیامبر ﷺ را اسلام نامید و نمی‌توان از شریعت و منهج و روش موسی یا عیسی با نام اسلام یاد کرد.

خداوند درباره‌ی ارسال پیامبران می‌فرماید: «وانزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه؛ خداوند کتاب آسمانی را، که به حق فرامی‌خواند، با آن‌ها نازل کرد تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند» (بقره: ۲۱۳). از آنجاکه داوری بدون قدرت اجرایی اعمال قانون و نظارت معنا و مفهوم می‌ندارد یا، به عبارت دیگر، بدون

قدرت اجرا و اعمال قانون نمی‌توان بر پایه قانون در میان مردمان قضاوت کرد، حکومت به معنای داوری و قدرت و اجرایی کردن قوانین است. در بینش قرآنی، تفاوت میان شرایع تفاوت در مقتضیات است. خداوند در قرآن کریم اهل کتاب یا پیروان شرایع آسمانی را به وحدت و همبستگی دعوت می‌کند و از آنان می‌خواهد، در سایه سخن و عقیده مشترک، با مسلمانان گرد آیند و متحد شوند: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله ولا نشرک به شیئا؛ بگو ای اهل کتاب، بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خدای یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم» (آل عمران: ۶۴). در این آیه، محورهای وحدت، که بر توحید و نفی شرک مبتنی است، بیان شده است؛ پیروان ادیان در زیر کلمه توحید گرد هم آیند و به یکدیگر یاری رسانند و، با دوری از فساد و ستم، از نتایج همبستگی خود سود جویند. خداوند، در قرآن کریم، از همه کسانی که اسلام را می‌شناسند یا در نظام اسلامی زندگی می‌کنند می‌خواهد که یا اسلام را بپذیرند، چنان که می‌فرماید: «فمن یکفر بالطاغوت ویؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی؛ کسی که به طاغوت کافر شود و به خدا ایمان آورد به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن در آن نیست» (بقره: ۲۵۶)، یا جزیه بدهند، که در این صورت، خود، متعهد شده است حرمت، حقوق و امنیت آنان را تأمین کند. خداوند، همچنین، در این باره می‌فرماید: «وان احدا من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلام الله ثم أبلغه مأمنه؛ اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود؛ سپس او را به محل امنش برسان» (توبه: ۲۹).

سطح سوم: وحدت مؤمنان و مسلمانان

این سطح از مهم‌ترین سطوح همبستگی و وحدت در قالب اندیشه امت واحده است. در نگرش اسلامی، هر کس شهادتین را بر زبان جاری ساخت مسلمان و مشمول احکام اسلامی است و با او همچون برادری دینی برخورد می‌شود؛ یعنی، بدون توجه به ایمان واقعی و به صرف بیان شهادتین از حقوق شهروند جامعه اسلامی برخوردار می‌گردد. بر این اساس، حال که قرآن میان اسلام و ایمان تمایز قائل شده است و در این سطح

اقرار به اسلام و ذکر شهادتین کفایت می‌کند، وحدت کاربردی فراتر از همراهی و یکی شدن با شرایع دیگر می‌یابد؛ به عبارت دیگر، با توجه به دو سطح اسلام و ایمان، وحدت در میان اهل اسلام می‌تواند به دو شکل ظهور و بروز کند، که از این میان وحدت اهل اسلام اهمیتی ویژه دارد. از سوی دیگر، در آموزه‌های قرآنی، مؤمنان، یا کسانی که اسلام در جانشان نفوذ کرده‌است، برادر ایمانی محسوب می‌شوند: «انما المؤمنون اخوة؛ مؤمنان برادر یکدیگرند» (حجرات: ۱۰). این برادری در زمان صدر اسلام چنان مستحکم بود که برادران دینی تا مدتی پس از عقد اخوت در مدینه و پیش از نزول آیه «و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض؛ خویشاوندان به یکدیگر، در احکامی که خدا مقرر داشته است»^{۱۱} از دیگران سزاوارترند» (انفال: ۷۵) حتی از یکدیگر ارث می‌بردند. بر پایه آموزه‌های قرآنی هر کس توبه کند، ایمان آورد، زکات دهد و نماز بخواند برادر ایمانی مؤمنان و شهروندان واحد است.

سیره پیامبر اکرم ﷺ در وحدت بخشیدن به جامعه اسلامی

پیامبر اکرم ﷺ علیه شرک و بت پرستی به پاخاست و، با تغییر بنیان‌ها و ساختارهای فکری-اجتماعی، اصالت خون و نژاد، قوم و قبیله، مال و ثروت و تقدیس خدایان دروغین و ساختگی، از جنس پدیده‌های طبیعی و انسان، و امثال این‌ها را مردود اعلام کرد. او جامعه جدیدی را به نام «امت» بنا نهاد، که اصالت را به تفکر و یکتا پرستی و ارزش‌های دینی و انسانی می‌داد. این نظام مبتنی بر «امت» هم با نظام قبیله‌ای گذشته و هم با نظام‌های ملی جدید بسیار متفاوت بود؛ شعار اصلی اسلام، یعنی توحید، اعراب را به نفی بت‌ها و معبودهای مذهبی و سیاسی و اقتصادی و حاکمیت زور و زور و تزویر واداشت و همچنین آن‌ها را به یک انقلاب همه‌جانبه ارزشی، اجتماعی و اقتصادی فراخواند (موثقی ۱۳۸۴: ۱۱). بدین ترتیب، پیامبر گرامی اسلام ﷺ اولین مصداق حکومت اسلامی را، پس از بیست و سه سال تلاش، بنیان نهاد. همه‌اهتمام آن پیامبر بزرگ تحقق اصول و آرمان‌های یک نظام توسعه یافته،^{۱۲} بر پایه مشخصه‌های دینی، بود و وحدت

اجتماعی، پیوستگی و هم‌بستگی ادیان و مذاهب، حرکت به سوی اهداف و منافع اجتماعی و، در نهایت، رسالت جهانی اسلام از مهم‌ترین مبانی مورد توجه ایشان محسوب می‌شد. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «هر کس از اجتماع مسلمانان دوری کند ریسمان اسلام را از گردن خود باز کرده است.» گفته شد: «مراد از جماعت مسلمانان چیست؟» فرمود: «حق گرایان، اگر چه در اقلیت باشند.» پیامبر اسلام ﷺ، در جای دیگر، می‌فرماید: «پس از نهی از بت پرستی، از هیچ چیز به اندازه کشمکش کردن با مردم نهی نشدم» (کلینی ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۱۸). همچنین می‌فرماید: «الجماعة رحمة والفرقة عذاب؛ جماعت رحمت است و تفرقه عذاب» (صالحی ۱۳۸۱: ح ۱۳۲۳).

نظام اسلامی، با وجود داشتن تمرکز سیاسی و قانون مرکزی عمومی، با نظام‌های استبدادی و خودکامه و نظام‌های سنتی قبیله‌ای متفاوت بود. تدوین و امضای پیمان و قرارداد، بر اساس ایمان و ایدئولوژی و اراده آزاد و از روی آگاهی افراد امت جدید، میان قبایل و عشیره‌ها و گروه‌های قومی، نژادی، جغرافیایی و حتی مذهبی، نظیر یهودیان، که به نخستین قانون اساسی معروف شد، در نوع خود در جهان بی‌نظیر بود. بر اساس این قانون اساسی - که متشکل از سازمان اداری، قضایی، دفاعی، قانون‌گذاری و حکومتی بود - مسلمانان از هر قبیله، قشر و گروه یک «امت» را تشکیل می‌دادند. عصبیت‌های قبیله‌ای، مبتنی بر هم‌خونی و نژادپرستی، جای خود را به هم‌بستگی بشری - الهی داد. در این قانون حتی حقوق اجتماعی و استقلال داخلی یهودیان و کفار غیر حربی نیز تضمین شده بود (موثقی ۱۳۸۴: ۱۵). بدین جهت، در آن شرایط نیز هرگونه بحث و استدلال بی‌نتیجه است و ادامه آن موجب ملال خاطر و جدال خواهد بود.

در احادیث معصومان بر لزوم و اهمیت وحدت مسلمانان، با عناوین گوناگون، تأکید شده است. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «المؤمنون كالنفس الواحدة؛ مؤمنان مانند جسم واحدند.» همچنین می‌فرماید: «مثل المؤمنین فی تواددهم و تراحمهم كمثل الجسد الواحد؛ مؤمنان در دوستی و مهربانی‌شان با یکدیگر همانند جسم واحدند»

(سیحانی ۱۳۷۲: ۴۰۶).

از مهم‌ترین عوامل پیروزی مسلمانان بر دشمنان، وحدت و پیوستگی صفوف در میدان نبرد است. نه تنها در میدان‌های نظامی که در نبردهای سیاسی و اقتصادی نیز جز از طریق وحدت کاری صورت نمی‌گیرد. البته، باید توجه داشت که وحدت با شعار حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند تلاش و درگرو خلوص نیت و معرفت واقعی و تربیت اسلامی است.

دیدگاه امام خمینی علیه السلام

امام خمینی علیه السلام دستاورد وحدت را از بهترین ثمره‌های نهضت می‌دانست و همواره ملت را به کوشش در راه آزادی و استمرار وحدت فرامی‌خواند. در اندیشه امام خمینی علیه السلام غلبه قدرت‌های بیگانه و دولت‌های وابسته ستم‌پیشه مهم‌ترین بحران جوامع اسلامی است. رمز موفقیت امام خمینی علیه السلام به پیش بردن مبارزه در قالب مفاهیم اسلامی بود. او با ظلم مبارزه کرد، ولی مبارزه با ظلم را با معیارهای اسلامی مطرح کرد (مطهری ۱۳۸۳: ۴۰-۴۱). امام خمینی علیه السلام درد بزرگ مسلمانان را سکوت علما و نخبگان جوامع اسلامی در برابر ظلم می‌دانست که این مسئله، خود، متأثر از درد و غفلتی بزرگ‌تر، یعنی دوری از اسلام و فراموش شدن قرآن و احکام اسلامی، است (امام خمینی ۱۳۶۸، ج ۳۵: ۲۱) و راه حل آن را در بازگشت به اسلام و وحدت مسلمانان بر مبنای قرآن، احکام اسلامی و اهل بیت علیهم السلام می‌دید. یکی از عناوین وصیت امام خمینی علیه السلام «منشور وحدت» است زیرا امام علیه السلام در وصیت خود، با رجوع به حدیث ثقلین، بر راهنما بودن قرآن و اهل بیت شریف علیهم السلام تأکید کرده است، به طوری که می‌فرماید:

ذکر این نکته لازم است که حدیث ثقلین متواتر بین جمیع مسلمین است و در کتب اهل سنت، از صحاح شش‌گانه تا کتب دیگر، به صورت متواتر نقل شده است. این حدیث شریف حجت قاطع است بر جمیع بشر، به‌ویژه مسلمانان مذاهب مختلف، و باید همه مسلمانان، که حجت بر آنان تمام است، جواب‌گوی آن باشند و اگر

عذری برای جاهلان بی‌خبر باشد، برای علمای مذاهب نیست (امام خمینی ۱۳۷۸: ۴).

امام خمینی علیه السلام با هشجاری هر چه تمام‌تر، پایه‌های وحدت اسلامی را بر حدیثی قرار می‌دهد که در طول سالیان دراز وسیله‌ای برای ایجاد تفرقه میان دو مذهب بزرگ اسلامی شده و درگیری‌های فراوانی بر سر فهم این حدیث و تبیین و شرح آن میان متکلمان رخ داده است. ایشان خطاب به امت اسلامی می‌فرماید:

با کمال جد و عجز، از ملت‌های مسلمان می‌خواهم که از ائمه اطهار علیهم السلام و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ‌راهنمایان عالم بشریت، به‌طور شایسته و به جان و دل و جان‌فشانی و نثار عزیزان، پیروی کنند. از آن جمله... از فقه سنتی، که بیان‌گر مکتب رسالت و امامت است و ضامن رشد و عظمت ملت‌هاست، چه احکام اولیه و چه ثانویه، که هر دو مکتب فقه اسلامی است، ذره‌ای منحرف نشوند و به وسواس خناسان معاند با حق و مذهب گوش فراندهند و بدانند قدمی انحرافی مقدمه سقوط مذهب و احکام اسلامی و حکومت عدل الهی است (امام خمینی ۱۳۷۸: ۲۰).

رهبر فقید انقلاب اسلامی، برخلاف تئوری‌ها و الگوهای رایج زمانه، به طراحی مدلی کاملاً بدیع و مبتنی بر تعالیم اسلامی پرداخت و نظامی پدید آورد که ویژگی‌های خود را از فرهنگ اسلامی می‌گرفت. الگوی ایشان، نظامی استبدادی و مطلقه نبود، بلکه نوعی حکومت مشروطه بود، که حکومت‌کنندگان، در اجرا و اداره کشور، به مجموعه‌ای از شروط معین شده در قرآن و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مقیدند (فلاحی ۱۳۸۵: ۱۹۶).

بنیان‌گذار فقید انقلاب اسلامی ایران مهم‌ترین وظایف علمای اسلام را معرفی اسلام راستین به جوامع اسلامی، کسب علم همراه با تهذیب نفس و آمادگی برای پذیرش مسئولیت‌های آینده و معرفی توانایی‌های اسلام در تشکیل حکومت می‌دانست (همان: ۱۸۳). ایشان، که سرانجام این نهضت بیدارگر را به پیروزی رسانید، مبارزه با استعمار را در برنامه خود قرار داد، که شعار «نه شرقی، نه غربی» در جریان وقوع انقلاب اسلامی ایران نمایاننده چنین اندیشه‌ای است. در رأس اندیشه‌های آن رهبر فقید توجه به وحدت دنیای اسلام قرار دارد و $\frac{۱}{۴}$ در کنار آن مخالفت با مسائلی چون

حکومت استبدادی، سلب آزادی و هتک کرامت اسلامی، بی‌اعتنایی به مبانی دینی و احکام شرعی، شیوع فساد و فحشا و مواد مخدر، جدایی دین از سیاست، بی‌احترامی به مقدسات اسلامی و روحانیان، تبعیض و افزایش شکاف طبقاتی، رشد دستگاه‌های امنیتی و پلیسی برای فعالیت علیه مردم، استقرار کاپیتولاسیون، تسلط عناصر غیرمسلمان بر قوا و دولت‌ها و ارتش، تبعیض نژادی و نیز نبود استقلال سیاسی دیده می‌شود. از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، وحدت علما و مراجع، تبلیغات مذهبی و فرهنگی، غافل‌نماندن از غرض‌ورزی دشمنان درونی و بیرونی، وحدت کلمه بر مبنای جهان‌بینی اسلامی، ایثار و فداکاری، عدالت‌ورزی، پرهیز از ریاکاری، اخلاص، آرمان‌گرایی و استقلال‌طلبی از مهم‌ترین راه‌های وحدت ملی، پیوستگی دینی و پیشبرد منافع ملی، به منظور نیل به توسعه مبتنی بر احیای گفتمان اسلام، است. در اینجا برای نمونه به فرازهایی از سخنان امام خمینی علیه السلام، درباره محورهای ذکر شده، اشاره می‌کنیم:

الف - همدلی علما با مراجع

امام خمینی علیه السلام علما را، از همان اولین سال‌های مبارزه و در حالی که شاید برخی از آنان هنوز متوجه تکوین و جریان یافتن نهضت اسلامی نشده بودند، به وحدت با مراجع توصیه می‌کرد، به طوری که فرمود:

امید است، با وحدت کلمه علمای اسلام و مراجع، از حریم اسلام و قرآن دفاع کرده، نگذاریم دست خیانت به احکام مسلمة اسلام دراز شود (امام خمینی ۱۳۶۸، ج ۳: ۴۳).

رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران، در سراسر دوران زندگی و مبارزه خود، با الهام از تعالیم مکتب اسلام و تلاش‌های احیاگران اندیشه دینی و با توجه به رمز پیروزی حرکت‌های انقلابی تاریخ اسلام و جهان، همواره بر وحدت میان زعمای مراجع دینی و فکری مسلمانان جهان تأکید می‌ورزید و آن را مهم‌ترین رمز پیروزی و بقای نهضت

بزرگ اسلامی تلقی می کرد.

ب - غافل نشدن از دشمنان و غرض ورزان

امام علیه السلام مغرضان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله را به دو دسته تقسیم می کند و می فرماید:

پیغمبر اسلام می خواست در تمام دنیا وحدت کلمه ایجاد کند... منتهی اغراض سلاطین آن وقت، از یک طرف، [و] اغراض علمای نصاری و یهود و امثال ذلک، از طرف دیگر، [مانع] شد (همان: ۱۲۰).

بدیهی است ترس حاکمان از پایان یافتن قدرت و حکومتشان بود و ترس علمای یهود از زوال مرجعیت دینی مردم.

این اهتمام امام خمینی علیه السلام ناشی از شناخت اصولی و بسیار دقیق ایشان از فرازونشیب های تاریخ اسلام، از صدر اسلام تا عصر حاضر، بود، که موجب شد به برجسته ترین مصلح دینی و دقیق ترین نظریه پرداز اسلامی، برای عینیت بخشیدن به گفتمان اسلامی توسعه، بدل شود.

ج - وحدت کلمه بر اساس مکتب اسلام

امام علیه السلام در باره وحدت راستین می فرماید:

ما اگر چنانچه این وحدت کلمه و این خاصیت [را]، که عبارت از اسلامیت است که در آن همه چیز هست، حفظش نکنیم تا آخر با پیروزی هستیم (امام خمینی ۱۳۶۸، ج ۶: ۲۰۸).

امام خمینی علیه السلام با مردود دانستن وحدت تاکتیکی، می فرماید:

رمز پیروزی ما این است که جنبه فقط سیاسی نبود، فقط برای نفت و امثال این ها نبود. جنبه جنبه معنوی بود، اسلامی بود (همان: ۱۷).

البته باید دانست، دستیابی به وحدت رنج و کوشش بسیار می طلبد و در گرو ایشار و فداکاری است، چنان که امام علیه السلام می فرماید:

اسلام احتیاج به مردان و بانوان فداکار دارد (همان: ۸۵).

این اندیشه نیز از مبانی راستین اسلامی^{۱۶} و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در ایجاد پیوند

و وحدت ناگسستنی میان آحاد جامعه دینی، سرچشمه گرفته است؛ از این رو، امام خمینی علیه السلام، با تأسی به پیامبر رحمت و وحدت علیهم السلام، به فداکاری زنان و مردان امت اسلام، برای نیل به توسعه پایدار اسلامی، اصرار می ورزید.

د - عدالت جویی

امام علیه السلام در این باره می فرماید:

وحدت کلمه و اسلامی بودن یک مملکت این است که از آن رئیس جمهورش تا آن کسی که آن پائین هاست این ها یک جور باشند؛ نه این از او بترسد و نه او توقع داشته باشد که این از او بترسد (همان: ۱۸).

اندیشه عدالت محوری بنیادی ترین آموزه ای است که امام خمینی علیه السلام، در گفتمان اسلامی توسعه، بدان توجه داشت. عدالت را نه تنها از گفتمان اسلامی توسعه که از دیگر گفتمان های توسعه نیز هرگز نمی توان حذف کرد. این اندیشه در سراسر تلاش های سیاسی و گفته ها و نوشته های امام خمینی علیه السلام به چشم می خورد، چنان که در اغلب فرازهای وصیت نامه سیاسی - الهی ایشان توصیه هایی بنیادین به مسئولان و دولتمردان نظام اسلامی درباره تحقق عدالت دیده می شود.

ه - خلوص نیت و اجتناب از ریا

امام خمینی علیه السلام در این باره می فرماید:

ممکن است گاهی بعضی از افراد شعار وحدت سر دهند، اما وقتی در عمل به آن ها دقت می کنی می بینی که تا جایی با وحدت همراه اند که به منافع خودشان آسیب وارد نشود، اما اگر قرار شد برای حفظ وحدت هزینه ای پرداخت کنند آن وقت از کوره در می روند و حرف دیگری می زنند... شعار وحدت اگر با عمل همراه نباشد ریاکاری است (امام خمینی ۱۳۶۸، ج ۸: ۲۰۲).

این آموزه نیز، همانند اغلب آموزه های ذکر شده، مبتنی بر شناخت دقیق امام راحل علیه السلام از تجربیات تاریخی است چرا که ۱۷ یافته های تاریخی مهم ترین ماده

نظریه پردازی تلقی می شوند. دقت در وقایع تاریخی آشکارا نشان می دهد هرگاه افراد
امست اسلامی منافع
و مصالح فردی خود را بر ملاحظات جمعی و خواست اکثریت مقدم داشته اند نتیجه ای
جز تشتت و شکست نصیبشان نشده است.

و - اصالت دادن به آرمان محوری

نظام سیاسی برگرفته شده از مبارزات ملت مسلمان ایران، با الهام از آموزه های معنوی
مکتب اسلام و محوریت نقش مردم و رهبری منحصر به فرد معمار ماهر انقلاب اسلامی،
بر اساس «اسلامیت»، «جمهوریت»، «حاکمیت الهی»، «ولایت فقیه»، «تفکیک قوا»
و «استقلال طلبی در سیاست خارجی» شکل گرفت. تعالیم آگاهی بخش این
حرکت اسلامی، در داخل کشور، شناختی عمیق را در اختیار حامیان خود قرار داد
و، در سطح بین المللی، با صدور انقلاب، سبب شکل گیری و گسترش مبارزات
ضداستبدادی و ضداستعماری برخاسته از مبانی اسلامی و دینی شد و به صف آرایشی
ملت های ستمدیده دنیا علیه سلطه نظام جهانی انجامید و مرزهای سیاسی، جغرافیایی،
نژادی، قومی، قبیله ای و حتی مذهبی را در نوردید (عبداللهی ۱۳۹۰: فصل اول). نظام اسلامی
ایران، با بهره گیری از رهبری سیاسی - الهی امام خمینی علیه السلام، شرق و غرب و نظام های
مارکسیستی و لیبرالیستی را به بزرگ ترین جدال ممکن فراخواند و گفتمان اسلامی را به
مسلط ترین گفتمان عصر حاضر نزد جهانیان بدل کرد. این فراخوانی برای نظام های
قدرتمندی که خود را یکه تاز تحولات جهانی می دانستند و در طول تاریخ به چپاول
ثروت ملل گوناگون پرداخته بودند گران آمد و ابهت آنان را نزد ملت هایشان و نیز ملل
دیگر شکست. بدین ترتیب، انقلاب اسلامی ایران باب جدیدی را از نظریه پردازی
گشود و، بر اساس مبانی اسلامی و آرمان های مذهب تشیع، معیارهایی نوین در اختیار
نظریه پردازان توسعه قرار داد.

نتیجه

با دقت در مباحث مطرح شده در این مقاله چنین استنباط می‌شود که گفتمان اسلامی توسعه‌گفتمانی است مؤثر و پایدار، که با تحقق مقدمات ضروری آن عملیاتی می‌شود. توسعه، در قالب گفتمانی دینی، مستلزم همراهی اجتماعی و عزم گستردهٔ آحاد جوامع اسلامی است، هر چند فعال‌سازی ملت‌ها و شرکت دادن آن‌ها در فرایند سیاسی، برای وصول به این امر مهم، بدون وجود نهادهای مدنی مناسب و فعال ممکن نخواهد بود. این امر نیازمند تلاشی فراگیر است، که به نظر می‌رسد آغاز آن، در گام اول، توجه دولت‌مردان جامعهٔ اسلامی و، سپس، همگامی نهادهای جامعهٔ اسلامی است چراکه جامعه سریر جمیع تحولاتی است که نهادهای حکومتی آن‌ها را محقق می‌کنند و، در نهایت، نیز رویارویی معتقدان به مبانی تغییرناپذیر تفکر سیاسی در اسلام با عزمی ملی.

یادآوری این نکته ضروری است که وحدت و به‌هم‌پیوستگی هر ملت سرمنشأ تلاش مشترک برای دستیابی به اهداف، آرمان‌ها و شرایط مطلوب است. این نکتهٔ مهم راه رسیدن به توسعه را، بر اساس ارزش‌های مکتب اسلام و مذهب تشیع، هموار می‌کند. قرآن، در اولین گام به سوی توسعه یا پیشرفت، به اجتماع بشری و نهادهای جامعهٔ مدنی اهتمام می‌ورزد و، با فراهم آوردن ابزارها و نشان دادن راهکارها و دستورهای شرعی، می‌کوشد آن را محقق کند. با توجه به اینکه، از یک سو، برادری ایمانی مهم‌ترین رکن وحدت و پیوستگی اسلامی به حساب می‌آید و، از سوی دیگر، ضعیف شدن جایگاه منافع امت واحدهٔ اسلامی موجب تضعیف گفتمان اسلامی توسعه می‌شود، احکام و قوانین اسلامی معیاری بسیار تعیین‌کننده است. پیوستگی اسلامی بدان معناست که ملل مسلمان با وجود همهٔ تنوع‌ها و اختلافات، سرنوشت مشترک دارند و از الگوهای مشترک استفاده و به سوی اصول، ارزش‌ها و آرمان‌های واحد سیر می‌کنند. برای نیل به این هدف، شایسته است از تشقت و واگرایی اجتناب کرد و از توانمندی‌های یکدیگر بهره گرفت. در این مسیر حیاتی، از دست دادن انگیزهٔ الهی و دینی، فراموش کردن مبانی، ارزش‌ها و الزامات حکومت اسلامی و نیز کنار گذاشتن وحدت کلمه از مهم‌ترین آسیب‌هاست،

که در سخنان امام خمینی علیه السلام به آن توجهی فراوان شده است. همچنین، انحراف از اصول و ارزش های دینی، دلسردی، تشمت و تفرقه، اثرپذیری از تبلیغات دشمنان، ضعف مدیریت، وابستگی به بیگانگان و نیز انحراف و فاصله گرفتن از آرمان ها از آفاتی است که دوری از آن ها، برای رسیدن به گفتمان اسلامی توسعه، ضروری به شمار می آید.

کتابنامه

قرآن مجید.

- ابراهیمبای سلامی، غلامحیدر (۱۳۷۴). «تحلیلی تطبیقی از قیام امام حسین (ع)»، ماهنامه حضور، ش ۱۲. امام خمینی (۱۳۶۸). صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۳، ۶، ۸ و ۲۱.
- _____ (۱۳۷۸). وصایای الهی - سیاسی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۵). تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران، تهران، سمت.
- بندرریگی، محمد (۱۳۸۲). المنجد، تهران، بیدگل.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴). امنیت ملی و نظام بین المللی، تهران، سمت.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۲). فروغ ابديت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- سیف زاده، سید حسین (۱۳۸۴). نظریه پردازی در روابط بین الملل، تهران، سمت.
- صالحی، هاشم (۱۳۸۱). نهج الفصاحة، ترجمه ابراهیم احمدیان، قم، گلستان ادب.
- عبدالهی، محسن (۱۳۸۶). جهانی شدن و مدیریت توسعه سیاسی، تهران، شرح.
- _____ (۱۳۹۰). نظریه های انقلاب و انقلاب اسلامی ایران، تهران، شرح.
- عمید، حسن (۱۳۸۴). فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیر کبیر.
- فلاحی، اکبر (۱۳۸۵). سال های تبعید/ امام خمینی (ره)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۲). اصول روابط بین الملل، تهران، میزان.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۴). اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران، سمت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، صدرا.
- _____ (۱۳۸۳). نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران، صدرا.
- موتقی، سیداحمد (۱۳۸۴). جنبش های اسلامی معاصر، تهران، سمت.
- نقیب زاده، احمد و مهدی عباسی (۱۳۸۱). تحولات روابط بین الملل از کنگره و بین تا امروز، تهران، قومس.